

کارگران جهان متحد شوید!

دبیر کمیته کردستان محمد آسنگران
 Tel: 0049 1633458007
 E-mail: asangaran@aol.com
 مسئول ارتباطات شهرهای کردستان عبدال کلپریان
 Tel: 00358 405758250
 E-mail: abdolgolparian@yahoo.com
 همکاری سر دبیر: بهمن خانی
 E-mail: khani@live.nl

ایسکرا

۳۷۳

اساس سوسیالیسم
 انسان است.
 سوسیالیسم
 جنبش بازگرداندن
 اختیار به انسان است.



منصور حکمت

www.m-hekmat.com

www.iskraa.org

نشریه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

چهارشنبه ها منتشر میشود

۱۰ مرداد ۱۳۸۶، ۱ اوت ۲۰۰۷

سر دبیر: عبدال کلپریان
abdolgolparian@yahoo.com

کارگران سراسر ایران، مردم آزاده! به اقدام جهانی ۱۸ مرداد بپیوندید! برای آزادی محمود صالحی، منصور اسانلو و همه زندانیان سیاسی به میدان آید!

روز مبارزه برای آزادی فعالین کارگری زندانی، مبارزه برای آزادی همه زندانیان سیاسی و فرصتی برای میدان آوردن صف متحد کارگران و مردم معترض و آزادیخواه در مقابله با جو اختناق و اعدام و ارعاب جمهوری اسلامی

اجتماعاتی برپا خواهد شد و در داخل کشور نیز جنب و جوش چشمگیری به راه افتاده است. روز ۱۸ مرداد فرصتی است که باید با وسیع ترین استقبال کارگران و همه مردم به جان آمده از جمهوری اسلامی روبرو گردد. ۱۸ مرداد روز همبستگی جهانی کارگری،

دو اتحادیه کارگری جهانی روز ۹ اوت (۱۸ مرداد) را بعنوان روز اقدام جهانی برای آزادی منصور اسانلو و محمود صالحی و اعمال فشار بر جمهوری اسلامی تعیین کرده اند. در این روز در برابر سفارتخانه های جمهوری اسلامی در نقاط مختلف جهان تظاهرات و

صفحه ۲

کانال جدید صدای انسانیت

وسیعتری را در بر می گیرد، پخش میشود.

برای ما کمونیستها، برای ما مردم تشنه آزادی و برابری، برای ما مردمی که قصد سرنگونی نظام استثمارگر و سیستم توحش و بربریت جمهوری اسلامی را داریم، داشتن این رسانه که در مقابل دشمن مردم بایستد ضرورتی حیاتی است.

تلویزیون انترناسیونال تنها صدایی است که در مقابل سیستم سرمایه، اسلام سیاسی و انواع اراجیف ناسیونالیسم و قوم پرستی و دیگر جریانات بینابینی در جامعه، خواست و مطالبات عمیقاً انسانی

صفحه ۳



عبدال کلپریان

تلویزیون انترناسیونال و کانال جدید شروع بکار کرد. این اولین باری نیست که تلویزیون ما راه اندازی میشود. پیشتر بر روی تل استار ۱۲ برنامه های انترناسیونال پخش میشد. مسئله این است که اکنون بر روی هات برد که پوشش

پنجشنبه ۹ اوت (۱۸ مرداد) روز اقدام جهانی برای آزادی منصور اسانلو و محمود صالحی

افشای جنایات رژیم اسلامی بر علیه کارگران و مردم تلاش خواهد کرد.

حزب کمونیست کارگری ایران
 ۲۵ جولای ۲۰۰۷، ۳ مرداد ۱۳۸۶

متن نامه "آی تی یو سی" و "آی تی اف" به اتحادیه ها و سازمانهای وابسته:

دوم مرداد ماه ۱۳۸۶
 دوستان گرامی

ما از شما می خواهیم که سازمانتان در تاریخ ۱۸ مرداد ماه ۱۳۸۶ برای دو زندانی مشهور اتحادیه کارگری در ایران؛ منصور

صفحه ۲

اعتصابی واحد) اشاره شده و خواسته شده که اتحادیه های وابسته اقدام مناسبی برای تحت فشار قرار دادن جمهوری اسلامی در دستور قرار دهند. متن کامل نامه مذکور در زیر خواهد آمد.

حزب کمونیست کارگری از اقدام جهانی برای آزادی فوری منصور اسانلو و محمود صالحی قویا پشتیبانی میکند و همانطور که سال گذشته واحد های حزب در کشورهای مختلف در آکسیون جهانی ۱۵ فوریه نقش فعالی ایفاء کردند، در اقدام جهانی ۹ آگوست نیز حزب در هماهنگی با اتحادیه های کارگری با تمام قوا شرکت خواهد کرد و برای آزادی بی و قید و شرط و فوری اسانلو و محمود صالحی و همه زندانیان سیاسی و

روز ۲ مرداد برابر با ۲۴ جولای، کنفدراسیون جهانی اتحادیه های کارگری (ITUC) و فدراسیون جهانی کارگران حمل و نقل (ITF) در یک فراخوان مشترک به تمامی اتحادیه ها و شعبات تابعه خود در سراسر جهان، روز ۹ اوت ۲۰۰۷ (۱۹ مرداد ۱۳۸۶) را بعنوان روز اقدام جهانی برای آزادی منصور اسانلو و محمود صالحی اعلام کردند. در این نامه از کلیه اتحادیه های عضو درخواست شده که در روز پنجشنبه ۹ اوت دست به اقدام معینی زده شود و با نامه های اعتراضی به سفارتخانه های رژیم اسلامی بروند. در این نامه به تجربه ۱۵ فوریه سال گذشته (روز همبستگی جهانی با کارگران

تلویزیون انترناسیونال را به دوستان و آشنایانتان معرفی کنید



صفحه ۳

از: اتحادیه سراسری کارگران اخراجی و بیکار
 به: کنفدراسیون اتحادیه جهانی و فدراسیون جهانی کارگران حمل و نقل
 موضوع: همبستگی با روز بین المللی برای اقدام

صفحه ۳

"آقای صالح نیکبخت و داستان کردهای داخل"
 محمد آسنگران

صفحه ۴

از میان نامه ها و سؤالات

صفحه ۵

عبدال کلپریان

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

پنجشنبه ۹ اوت (۱۸ مرداد) روز اقدام جهانی برای آزادی منصور اسانلو و محمود صالحی

ازصفحه ۱



منصور اسانلو



حزب کمونیست کارگری ایران
Worker-Communist Party of Iran



محمود صالحی

فعالین کارگری،
منصور اسانلو و محمود صالحی
باید فوراً و بدون قید و شرط آزاد شوند!

با کسی طومارهای امضاء شده توسط آی تی اف به دیدار مقامات سیاسی ایران در کشور خود بروند. اگر در کشور شما سفارت ایران وجود ندارد شما می توانید به ملاقات وزیر امور خارجه یا به دفتر امور خارجه بروید، کنفرانس مطبوعاتی برگزار کنید، جلسه ای در محل کارتان ترتیب دهید، یا هر اقدام دیگری را که مناسب تشخیص می دهید انجام دهید

لطفاً سرعت به ما اطلاع دهید که سازمان شما چه فعالیتهایی برای روز اقدام در تاریخ ۱۸ مردادماه تدارک می بیند. لطفاً با این افراد تماس بگیرید:
Urata_mac@if.or.g.uk
turights@ituc-csi.org

پیشاپیش از شما سپاسگزاریم و با احترامات برادرانه

گای رابندر
دبیر کل آی تی یو سی

دیوید کاکرافت

دبیر کل آی تی اف

مقامات ایران تا آن تاریخ وارد خواهیم کرد آزاد بشوند. اما اگر یکی یا هر دو آنها همچنان تا پنجشنبه ۱۸ مردادماه در بازداشت بماند ما از همه اتحادیه های وابسته به آی تی یو سی و آی تی اف و فدراسیونهای جهانی اتحادیه ها می خواهیم روز بین المللی اقدام در همبستگی با کارگران ایران را در آن تاریخ برگزار کنند. پنجشنبه ۱۸ مرداد ماه دقیقاً روزی است که از آزادی منصور اسانلو از بازداشت قبلی یکسال می گذرد. آن آزادی بدون شك نتیجه اعتراضات و فشارهای مستمر جنبش بین المللی اتحادیه های کارگری بود. شما هم اقدام موفقیت آمیز روز اقدام در تاریخ ۱۵ فوریه ۱۳۸۵ را به یاد دارید که در واکنش به دستگیریهای وسیعی بود که توسط مقامات ایرانی در ماه قبل از آن؛ زمانی که سندیکای کارگران اتوبوسرانی تهران برای آزادی اسانلو اعلام اعتصاب یک روزه کرده بود، صورت گرفته بود.

در سالگرد چنین روزی ما از همه اتحادیه های وابسته به خود می خواهیم که با نامه های اعتراضی یا

هماهنگی برای سازماندهی کارگران شرایط سلامتی محمود صالحی سرعت رو به خطر می رود. همانگونه که احتمالاً شما هم می دانید ایشان عضو هیئت موسس انجمن کارگران خبازان سقر و کمیته هم آهنگی برای سازماندهی کارگران بودند. فعالیتهای ایشان همواره آزار و اذیتهای مقامات را به دنبال داشته و علی رغم وضعیت نامناسب سلامتی ایشان در سنج در استان کردستان که از سقر و خانواده به دور است، زندانی است. بسیاری از اتحادیه های وابسته به درخواست آی تی یو سی در تاریخ ۲۰ تیرماه برای اقدام اعتراضی واکنش نشان داده اند. حالا ما از شما می خواهیم که برای اعمال فشار قدم پیش بگذارید چرا که شواهد مستندی وجود دارد که زندگی صالحی بخاطر مراقبتهای نامناسب پزشکی در زندان در خطر است.

فراخوان اقدام در ۱۸ مرداد ماه

ما امیدواریم که هم اسانلو و هم صالحی قبل از تاریخ مورد نظر و بخاطر فشارهای مستمری که بر

می گذرد. در حال حاضر ایشان به زندان بد نام اوین برگردانده شده و بطور مکرر گزارش شده است که ایشان به "توطئه علیه امنیت ملی" متهم است؛ پرونده ایشان آشکارا توسط اداره اطلاعات و خدمات جاسوسی دستکاری شده است. آی تی یو سی و آی تی اف اخیراً نامه اعتراضی مشترکی در ۲۰ تیرماه به دولت ایران نوشت و به کمیته آزادی تجمع و تشکل آی ال او نیز اطلاعات جدید را ارائه کرد. بعلاوه آی تی اف طومار الکترونیکی "منصور اسانلو را آزاد کنید" به راه انداخت. این طومار واکنش های بسیار زیادی داشته است. اگر شما تاکنون این طومار را امضا نکرده اید بهتر است لحظه ای به این سایت مراجعه کنید و آن را امضا کنید:

<http://www.itfglobal.org/solidarity/osanloo2.cfm>

در این میان بسیاری از اتحادیه های وابسته نامه های اعتراضی خود را ارسال کرده اند. تعدادی از اتحادیه ها اقدامات اعتراضی در سفرتهای ایران داشته اند. اتحادیه های کارگران حمل و نقل در کشورهای عربی متحدانه و بطور جمعی همبستگی خود را با منصور اسانلو اعلام کرده اند.

محمود صالحی؛ کمیته

اسانلو و محمود صالحی، به روز اقدام بین المللی بپیوندند. ما می دانیم که فصل تابستان بویژه در نیمکره شمالی، برای روز اقدام همبستگی بین المللی زمان مناسبی نیست. اما ما معتقدیم که اوضاع خاص این دو مورد ضرورتی است برای يك اقدام جدی و فوری اگر که خواستار این هستیم که این دو همکار زندانی ما در زمان قابل پیش بینی ای در آینده آزاد بشوند.

منصور اسانلو، رئیس سندیکای کارگران اتوبوسرانی تهران و حومه (سندیکای واحد)

بسیاری از شما شرح دیدار بلند پایه منصور اسانلو را از ملاقاتهای قانونی در آی تی اف و آی تی یو سی در لندن و بروکسل در خرداد ماه دیده و یا شنیده اید. شورای عمومی آی تی یو سی بویژه بعد از اینکه اعضا احساسات و استقبال گرم خود را با بلند شدن از صندلی ها به منصور ابراز داشتند، تصمیم گرفت در صورتی که ایشان بعد از بازگشت به ایران با مشکلی مواجه شود همبستگی کامل خود را با او اعلام کند. متأسفانه این دقیقاً اتفاقی بود که افتاد؛ لآن دو هفته از زمان ربودن منصور اسانلو در ۱۹ تیرماه در حالی که سوار اتوبوسی در تهران بود

سنگسار و اعدام تلاش میکنند و همه شما را به این همبستگی شورانگیز جهانی فرا میخواند.

آزادی، برابری، حکومت کارگری
مرکب بر جمهوری اسلامی
زنده باد جمهوری سوسیالیستی

حزب کمونیست کارگری ایران
۸ مرداد ۱۳۸۶، ۳۰ ژوئیه ۲۰۰۷

صالحی و اسانلو قطعنامه صادر کنید، خواستار آزادی فوری و بی قید و شرط همه زندانیان سیاسی شوید.

حزب کمونیست کارگری با تمام قوا در برپایی يك روز جهانی هرچه گسترده تر برای آزادی رهبران کارگری و کلیه زندانیان سیاسی، و روزی برای عقب راندن رژیم زندان و

کارگران سراسر ایران، مردم آزاده! . . .

ازصفحه ۱

روز ۱۸ مرداد در میادین و مراکز اصلی شهرها اجتماع کنید، در محل کار تجمع کنید، کار را به نشانه همبستگی با این اقدام جهانی متوقف کنید، مجمع عمومی تشکیل دهید، در دفاع از آزادی

روز پنجشنبه ۱۸ مرداد را به روز مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی تبدیل کنید. از پیش به استقبال این روز بروید، با دوستان و آشنایان و همکاران قرار و مدار بگذارید، عکس صالحی و اسانلو و دیگران زندانیان سیاسی را بر درودبواز شهر و محیط کار و درس بزنید، همه جا را از شعار زندانی سیاسی آزاد باید گردد پر کنید، در

است. حزب کمونیست کارگری شما کارگران، معلمان، دانشجویان و زنان و مردان آزادیخواه سراسر کشور را فرامیخواند که از فراخوان اتحادیه ها حمایت کرده و به هر شکل که میتوانید همبستگی خود را با فراخوان آنها اعلام کنید.

کارگران، زنان و مردان آزادیخواه!

سوسیالیسم پاخیز!
برای رفع تبعیض!

کانال جدید صدای انسانیت

از صفحه ۱

های مردم عاصی از نکتت جمهوری اسلامی این امکان برایشان فراهم شده است که از این دریچه صدای خود را به گوش میلیونها انسان در سراسر ایران و اروپا برسانند. اهمیت این رسانه در این است که در حالیکه تمام جریانات، گرایشات و طبقات دارا شب و روز در تلاش برای تحریف حقایق و خاک پاشیدن در چشم انسانهای محروم و ستمدیده هستند، کانال جدید و برنامه انترناسیونال در این کانال ابزار و صدایی محکم و

قوی برای انعکاس حق طلبی، برابری، آزادی و انسانیت در دست آنان است. برای تلویزیون انترناسیونال گزارش، فیلم و خبر تهیه و ارسال کنید. مسائل و معضلات عدیده اجتماعی و همچنین مبارزات و اعتراضات جامعه را گزارش کنید تا در این رسانه که تنها روزنه امید برای کارگران، زنان، کودکان، جوانان و زندانیان سیاسی است انعکاس یابد. برای تداوم و بقای این صدا،

تلویزیون انترناسیونال را از نظر مالی کمک کنید. کارگران، زنان و جوانانی که امروز با آغاز بکار این رسانه جسارت و اعتماد بنفس بیشتری را پیدا میکنند، جا دارد تا ضمن حمایتهای معنوی، امر کمکهای مالی به آن را سازمان دهند. این صدا خاموش شدنی نیست و به همت شما بخش محروم و استثمار شده جامعه، قوی و قوی تر خواهد شد.

* * *

مردم را نمایندگی می کند. این رسانه صدای آزادیخواهی و برابری طلبی است. این رسانه صدای کارگران معترض در جامعه و در کارخانه ها، صدای زنان و کودکان و صدای زندانیان سیاسی در بند، صدای کودکان خیابانی و صدای همه محرومان است. صدای حقیقت و

انسانیت است. با قرار گرفتن صدا و تصویر کانال جدید بر روی هات برد، مردم معترض به این بردگی، قوت قلب بیشتری را در اعتراضات روزمره خود به اوضاع موجود و رژیم جمهوری اسلامی پیدا میکنند. اکنون و با آغاز بکار تلویزیون انترناسیونال، صدای حقیقت در خانه

تلویزیون انترناسیونال را به دوستان و آشنایان معرفی کنید

پخش برنامه های "تلویزیون انترناسیونال" در "کانال جدید" بر روی ماهواره هات برد از روز چهارشنبه سوم مردادماه (۲۵ ژوئیه) شروع شده است.

این رسانه متعلق به کارگران و مردم ستمدیده ای است که سهمی جز فقر و محرومیت و سرکوب آرزوهای انسانی خود، ندارند. تلویزیون انترناسیونال صدای اعتراض کارگر به جهنمی است که طبقه سرمایه دار سازمان داده است، صدای اعتراض زنان به وضعیت غیرانسانی خویش است، صدای اعتراض همه انسانهای شریف و آزاده است که خواهان به گور سپردن این نظام کثیف و حکومت حامی آن هستند. تلویزیون انترناسیونال صدای انسانیت، صدای حق طلبی، صدای آرمانهای انسانی اکثریت عظیم مردم و صدای اعتراض بحق آنها است.

ما را در گسترش صدای خود یاری رسانید. فرکانس و سایر مشخصات آنرا به اطلاع دوستان و آشنایان خود برسانید. این آگهی را در سطح شهر، در کارخانه و دانشگاه و محله ای که زندگی میکنید و هر جا میتوانید وسیعا پخش کنید. کیفیت پخش کانال جدید را همچنان به ما گزارش دهید.

ما از همه شهرها و محلات مختلف شهرها و همینطور کشورهای همجوار به گزارش شما نیاز داریم. برای انترناسیونال خبرنگاری کنید. از آنچه در اطراف شما میگذرد گزارش، فیلم و عکس تهیه کنید و برای ما بفرستید که به اطلاع سایر مردم برسانیم.

حزب کمونیست کارگری ایران
۲۸ ژوئیه ۲۰۰۷، ۶ مردادماه ۱۳۸۶



آدرس تماس و مشخصات فنی کانال جدید به این شرح است:

ماهواره هات برد ۸
فرکانس ۱۲۳۰۳ مگاهرتز
سیمبل ریت ۲۷۵۰۰
اف ای سی ۳/۴

پلاریزاسیون عمودی (Vertical)

سایت کانال جدید: <http://www.newchannel.tv>

آدرس تماس: kanaljadid@yahoo.com

tv.anternasional@yahoo.com

تلفن تماس: ۰۰۴۴۷۹۰۴۴۱۳۵۲۵ و ۰۰۱۳۱۰۸۵۶۹۸۹۷

از: اتحادیه سراسری کارگران اخراجی و بیکار به: کنفدراسیون اتحادیه جهانی و فدراسیون جهانی کارگران حمل و نقل

خشنودی و قوت قلبی است برای ما کارگران در ایران. تداوم بازداشت محمود صالحی با وجود وضعیت جسمانی وخیم و ربودن و زندانی کردن منصور اسالو در حالی است که در روز ۱۹ و ۲۳

اعلام "روز بین المللی برای اقدام" در همبستگی با کارگران ایران برای آزادی محمود صالحی و منصور اسالو و تلاش قاطعانه شما در يك بعد وسیع بین المللی در حمایت از کارگران ایران، مایه

موضوع: همبستگی با "روز بین المللی برای اقدام"

با درودهای فراوان

دوستان گرامی

اعلام "روز بین المللی برای اقدام" در همبستگی با کارگران ایران، در شرایطی که دولت ایران با توجه به شواهد موجود (که فوقا اشاره مختصری به آن شد) اقدامات خود را در ماههای اخیر بر علیه رهبران و فعالین کارگری تشدید کرده است، برای ما کارگران در ایران

صفحه ۶

تیر ماه ۱۳۸۶ شیث امانی رئیس هیئت مدیره، خالد سواری نایب رئیس هیئت مدیره و صدیق کریمی عضو هیئت مدیره اتحادیه ما و همچنین ۱۰ نفر دیگر از کارگران شرکت کننده در مراسم اول ماه مه امسال در سندانج مورد محاکمه قرار گرفته و قرار است احکام آنان نیز بزودی صادر شود.

آقای صالح نیکبخت و داستان کردهای داخل"



محمد آسگران

asangaran@aol.com

داستان ساده است: جمهوری اسلامی دوفتر به اسامی عدنان حسن پور و هیوا بوتیمار اهل شهر مریوان را به اعدام محکوم کرده است. در مقابل سازمانهای مدافع حقوق انسانی و احزاب سیاسی در مخالفت با اعدام این دو جوان و سیل اعدامهای اخیر در ایران که هر روز تعدادی از جوانان و مردم را قربانی میگیرد، اعتراض کرده اند. بعد از گسترش این اعتراضات و احتمال وسعت آن در شهرهای کردستان خبرگزاری انتخاب به نقل از سایت روزهلات از زبان آقای صالح نیکبخت "وکیل" دادگستری در تهران نوشته است: «نه عدنان قهرمان است و نه دوستش هر دو به خاطر کار حزبی بوده اند که دستگیر شده اند و مطالب و مدارک مربوط به حزب، از آنها ثبت و ضبط شده است»

آقای "وکیل" چنان مدعی شده است که گویا اگر این دو نفر وابسته به حزبی باشند حقیقتاً است که اعدام شوند. ایشان مدعی شده اند که این دو نفر به جرم روزنامه نگاری دستگیر نشده اند. بلکه به جرم وابستگی با احزاب دستگیر شده اند. آقای وکیل انگار در عصر حجر زندگی میکند و نه در قرن ۲۱، زیرا از منظر ایشان دو نفری که محکوم به اعدام شده اند، جانشان و زندگیشان معیار نیست بلکه جرمشان که حزبی و یا غیر حزبی بودنشان است برای ایشان مهم است. از نظر این جناب وکیل اگر حزبی بودند پس حقیقتاً اعدام است! چون از نظر ایشان این دو نفر خبر نگار نیستند و گویا به این جرم دستگیر نشده اند، پس نباید شلوغ کرد و واقعه "شوانه" تکرار شود. اما آنچه در این میان مهم است این است عدنان حسن پور و هیوا بوتیمار چرا باید اعدام شوند؟! آیا آقای "محقق" دانشگاهی (قانونی) فرد که ناسیونالیستهای کرد خیلی به او افتخار میکردند) و آقای نیکبخت این دو نفر را محق اعدام میدانند؟ اگر اینطور نیست پس چی

شده است که در میان گلوله و آتش و خونی که جمهوری اسلامی به پا کرده است و هر روز دسته ای از جوانان و مردم ایران را حلق آویز میکند، آنها به یاد حسابهای کهنه خود با احزاب ناسیونالیست کرد افتاده اند؟ چی شده است که اینها یاد نوع جرم محکومین افتاده اند؟ از نظر این "وکیل" و "محقق" آیا جمهوری اسلامی حق دارد طرفداران احزاب را اعدام کند؟ اگر اینطور است پس خون هزاران انسان دیگر را باید مباح دانست. در مورد شوانه و نقد نظرات ناسیونالیستها و افشای جنایت جمهوری اسلامی من دو سال قبل مفصل نوشته ام. اکنون اما این دو نفر "صاحب نظر" نگرانیشان اعتراض و گسترش اعتراضات مردم علیه جمهوری اسلامی و علیه این اعدامها است نه نقد احزاب ناسیونالیست کرد. قانعی فرد: "آلان کار به گونه ای است، که جز سکوت نمی توان کاری کرد چون پرونده ای ساخته شده که گزگ قانونی دارد و نمی توان کاری کرد چنانکه بزرگان سیاسی، اجتماعی و فرهنگی داخل هم

سکوت کرده اند. به گمانم باید راهی توأم با حکمت و عقلانیت یافت تا جنجال و کف آلودگی." این جناب "محقق" منظورش از بزرگان احتمالاً آقای بهالدین ادب و امثالهم است. اینها بزرگان مردم نیستند دشمنان مردم هستند و شریک جرم ۲۷ سال جنایت جمهوری اسلامی علیه مردم کردستان هستند. این جوان کم تجربه دوم خردادی تازه به دوران رسیده باید کمی بیشتر تحقیق کند تا از خامی و تحمیق دوم خردایش بیرون بیاید. اما آقای نیکبخت آگاهانه و از روی تجربه این راه را انتخاب کرده است. این راهی بی سرانجام است و صاحبان آن هم بجز رسوایی چیزی دریافت نخواهند کرد. اینها نگران هستند که مردم در کردستان وارد میدان مبارزه علیه احکام اعدام شوند. به همین دلیل "مدافع" کردهای داخل" شده اند. معلوم نیست چرا و از کی مردم کردستان به کردهای داخل و کردهای خارج تقسیم شده اند. آیا این حضرات مردم تهران را به فارسیهای داخل و فارسیهای خارج تقسیم میکنند. این ترمینولوژیهای

ناسیونالیستی ظاهراً برای این آقایان حامی و پیام آور نان و نوایی برای آنها است. انسان را بر منبای انسانی و حقوق انسانی نمی نگرند بلکه به کرد و فارس و ... و از آن بدتر به خارج و داخل هم تقسیم کرده اند.

در پایان باید به این آقایان بگویم لطفاً این بساط را جمع کنید مردم این رژیم را نمیخواهند و کیل و وزیري شما را هم نمیخواهند. دست از سر مردم بردارید و با این ادبیات کلاه مخملی و آل احمدی بیش از این مانع مردم نشوید.

جمهوری اسلامی باید به جرم جنایت علیه بشریت محکوم شود. سران این رژیم باید به جرم اعدام انسانهای بیشمار به دادگاه کشیده شوند. اعتراضات در شهرهای کردستان باید علیه حکم اعدام عدنان، هیوا و مصلح و برای آزادی زندانیان سیاسی همه گیر شود. مردم باید به میدان بیایند و روز ۱۸ مرداد روز اعتراض جهانی به جمهوری اسلامی را به کارزاری جدی تبدیل کنند. باید در این روز وسیعترین اعتراضات را برای آزادی همه زندانیان سیاسی و لغو احکام اعدام سازمان داد.

* * *

آنها بخاطر روزنامه نگاری دستگیر نشده اند



صالح نیکبخت

عین همان واقعه ای که برای شوانه ساختند و بعد ها خود را کنار کشیدند و مشکل برای کردهای داخل آفریدند

مرداد ماه ۱۳۸۶ ساعت : ۳۷، ۲۱

خبرگزاری انتخاب : صالح نیکبخت وکیل دادگستری برای نخستین بار در گفتگویی ویژه با سایت کردی روزه لات اعلام کرد که عدنان حسن پور و آقای بوتیمار به خاطر مسایل روزنامه نگاری و مدنی دستگیر نشده اند و خود ایشان نیز این مساله را خوب می دانند. وی در ادامه از کردهای خارج از کشور انتقاد کرده و خاطر نشان ساخت: «دوستان خارج نشین موضوع را قاطی و مخشوش کرده اند و به دنبال شهید می گردند. عین همان واقعه ای که برای شوانه ساختند و بعد ها خود را کنار کشیدند و مشکل برای کردهای

داخل آفریدند».

وی در ادامه افزوده گفت: «نه عدنان قهرمان است و نه دوستش هر دو به خاطر کار حزبی بوده اند که دستگیر شده اند و مطالب و مدارک مربوط به حزب، از آنها ثبت و ضبط شده است»

همچنین عرفان قانعی فرد محقق دانشگاهی در گفتگویی با خبرنگار سرویس سیاسی «انتخاب» در خصوص این دو فرد و علت بازداشت آنان اعلام کرد: «واقعیت آنست که من این دو جوان را نمی شناسم. اما مشکل ندانم کاری و یا شیطنت و خامی آن دو جوان نیست که داخل یک بازی بیات شده افتاده اند، بلکه مشکل خام اندیشی و بی استراتژی بودن جنازه حزب های کردی است که درک و شناختی از جامعه ایران ندارند. و این گونه با سرنوشت نسل جوان بازی می کنند. در حالی که فرزندان آنها با پاسپورت اروپایی در

آرامش و تاملین به سر می برند. آقایان احزاب به جای سیاه کردن دیگران و تهمت زدن اگر خیلی اهل مبارزه و قهرمانی هستند، خواهش لطیف نموده و دیگران را فریفته و اجیر نکنند و خود قدم رنجه کرده و در فرودگاه مهر آباد با صدای بلند حرفشان را بزنند!»

قانعی فرد

این تحلیلگر مسائل روز کرد در ادامه گفت:

آلان کار به گونه ای است، که جز سکوت نمی توان کاری کرد چون پرونده ای ساخته شده که گزگ قانونی دارد و نمی توان کاری کرد. چنانکه بزرگان سیاسی، اجتماعی و فرهنگی داخل هم سکوت کرده اند. به گمانم باید راهی توأم با حکمت و عقلانیت یافت تا جنجال و کف آلودگی.

گفتنی است که از چندی پیش رسانه های بیگانه در هجومی غیر عادلانه

این دو فرد را روزنامه نگار خوانده و ایران را متهم به نقض قوانین حقوق بشر بر علیه حقوق قانونی این دو فرد کردند. رسانه های کرد معاند نیز ایشان را همراهی کرده و جوانان خطه کردستان را به اغتشاش دعوت نمودند. این در حالیست که دو فرد مذکور از فعالین حزب کومله کردستان بودند که تلاش برای جداسازی مناطق کردنشین از ایران دارد. بسیاری از کارشناسان مسائل کرد اذعان داشتند وضعیت این دو فرد چنان غیر قابل دفاع است که چاره ای جز سکوت نداریم. گفتنی است تلاش خبرنگار ما برای گفتگو با مدیرکل دادگستری استان کردستان تا کنون بی نتیجه مانده است.

چندی پیش علیرضا جمشیدی، سخنگوی قوه قضاییه ایران، در مصاحبه ای مطبوعاتی گفته بود: «بوتیمار و حسن پور به جرم محاربه، به اعدام با طناب دار محکوم شده اند

از میان نامه ها و سؤالات

عبدل گلپریان

باسلام

دوست عزیز، من بعنوان شخصی که مدت‌هاست ادیان و مذاهب و کلیه احزاب را رها کرده ام و به هیچ کدامشان هیچ اعتقادی ندارم مدت‌هاست تابوهای ذهنم را شکسته ام و خودم را فقط یک انسان رها و بدور از قید و بند احزاب سیاسی می دانم و تمام تلاشم برای این است که خودم باشم و استقلال فکری ام را تقویت کنم. از آنجائی که اهداف و خواسته‌هایم با شما تا حد زیادی مشترک است و خودم را به این جریان فکری نزدیکتر احساس می کنم ولی از طرفی هم سؤال برایم پیش آمده و امیدوارم بتوانید پاسخ قانع کننده ای بدهید چون واقعاً بین دوراهی مانده ام.

سؤال این است که چرا من در میان شما باید قالب خودم را به دور انداخته و کس دیگری باشم بعنوان مثال من کرد هستم (امیدوارم برداشت ناسیونالیستی نشود چون خودم را به هیچ وجه ناسیونالیست متعصب نمی دانم) چرا باشما که هم‌زبان من هستید باید فارسی صحبت کنم؟ حتی خود شما چه دلیلی دارد با افرادی که هم‌زبان شما هستند فارسی چت می کنید تمام کارها و جزوه ها و نوشته هایتان و حتی تلویزیون کانال جدید (که خلاصانه راه اندازی آن را تبریک می گویم) به زبان فارسی است. چه دلیلی دارد که شما اینگونه انتخاب کرده اید؟

آیا من بعنوان یک شخص که در ایران زندگی می کنم و حتی بعنوان شهروند درجه ۲ هم بحساب نمی آیم می توانم برای افراد دیگری که وضعشان از من بهتر است و بسیاری از دغدغه های فکری من را ندارند تلاش کنم؟ مثلاً وقتی من خانه ای ندارم می توانم برای بقیه که خانه دارند مبارزه کنم در حالی که آنها دردمشتری با من ندارند و خودشان دارای خانه هستند. نقطه شروع من باید کجا باشد؟ منی که به نسبت شهروند فارسی زبان از حداقل امکانات رفاهی هم برخوردار نیستم چرا برای اینکه مبارزه ام شکل یابد باید در قالب یک فارسی زبان که

اوحتی بسیاری از مشکلات من را تجربه نکرده در آیم؟ آیا این به این معناست که خودم ناتوانم و باید برای اظهار وجودم در پس افرادی ظاهر شوم که بسیاری از دردهای من را ندارند؟ آیا برای اینکه حق خودم را از جامعه سرمایه داری بگیرم حتماً باید قالب خودم را تغییر دهم؟ خودم زیاد با این سؤال روبرو شده ام اما جواب قانع کننده ای ندارم.

برای همه شما عزیزان آرزوی پیروزی و سربلندی دارم. ضمناً من اساساً نام را هم چند باری خوانده ام که در آن مورد هم سؤالاتی داشتم و آنها را هم در روزهای آتی برایتان می فرستم. پیروز باشید.

دوست عزیز!

با سلام به شما و خوشحال از اینکه توانسته اید به پوچی و بی معنی بودن ادیان و مذاهب برسید. همین حد از بدور انداختن افکار و عقاید پوسیده مذهب و بویژه مذهب اسلام که امروز به یک پدیده سیاسی و کشنده تبدیل شده، موفقیت بسیار بزرگی برای شما و کسانی چون شما است که از دست این هیولای ضد بشری خلاص شده اید. منتها مترادف ساختن مذاهب و ادیان و تابوهای مذهبی با احزاب، چندان تناسبی با همدیگر ندارد. اگر منظور شما از احزاب، احزاب متعلق به گرایشات و تفکرات مذهبی، ملی، فاشیستی و ضد بشری باشد من هم با شما موافق هستم. اما حزب و یا احزابی که در جهت خواست، اهداف و آرزوهای انسانی، و در نقطه مقابل پدیده های عقب مانده و ارتجاعی قرار دارد، نباید آنرا در این چهار چوب قرار دهید. حزب پدیده دنیای مدرن برای رسیدن به اهداف و سیاستهای مشترک اعضا و مردمی است که به آن تعلق خاطر دارند. حزب وسیله ای برای تلاش جمعی و تغییراتی است که در برنامه آن آمده است.

مکتب و تأکید بر حزب و بطور مشخص حزبی که شما با آن اهداف و خواسته های خود را نزدیک و مشترک احساس میکنید است. این

قدم گذاشتن در حیطه جریانی است که آرزوهای قلبی و مادی انسان را نمایندگی می کند و درست در نقطه مقابل همان افکار و باورهای قرار دارد که شما خود را از آن رها ساخته اید.

و اما در پاسخ به سؤال شما مبنی بر اینکه چرا شما در میان ما باید قالب خودت را بدور اندازی و کس دیگری باشید.

برای پاسخ به این سؤال لازم است قبلاً این مسئله را روشن کنیم که این قالب چیست؟ آیا شما برای خودتان قالبی ساخته اید؟ آنها هم از نوع کردی و یا کرد بودن و یا زبان کردی؟ شما توانسته اید با دید روشن و آگاه، قالبهای ادیان و مذاهب و تابو ها را بشکنی و چنانکه پیشتر گفتم این موفقیت بزرگی برای شماست که خود را از این خرافات آزاد ساخته اید. اما ناخواسته به قالب دیگری که دست کمی از قالب قبلی ندارد رجوع کرده اید. قصدم اطلاق کردن این عبارت ناسیونالیستی به شما نیست اما ناسیونالیسم یک گرایش فکری است که در درون جامعه باز تولید می شود و ممکن است کسی از یک گرایش فکری خود را خلاص و رها کند و گرایش فکری دیگری را بعنوان آلت‌ناتیو قبلی برگزیند. تفاوت در اینجاست که هدف ما یا شما از دخیل ساختن خود در دنیای بهم ریخته فعلی چیست؟

برای اینکه بتوانم به سؤالات بعدی شما پاسخ بدهم، لازم میدانم به این نکته اشاره کنم که ما به مثابه حزب کمونیست کارگری ایران، هدف خود را رهایی بشریت از قید و بند نظام و مناسبات نابرابر و ناعادلانه دنیای سرمایه داری قرار داده ایم. روی کلمه بشریت تأکید میکنم به این اعتبار که قبل از وجود و پیدایش زبان کردی یا فارسی یا هر زبان دیگری که فرض کنیم قدیمی ترین زبان تاریخ بشر باشد، انسان وجود داشته است. اگر بطور معمولی و گذرا به تاریخ پیدایش انسان نگاهی اجمالی بیندازیم می بینیم که مبنای هر پدیده و هر دستاوردی در زندگی بشر در طول تاریخ، همانا خود انسان است.

انسان خالق کار بوده، این انسان است که هنر، ادبیات، زبان، سیاست، اقتصاد و تمامی دستاوردهای تاقونوی امروز در قرن

۲۱ را خلق کرده است. به این اعتبار محور مسئله بطور عینی، واقعی و تاریخی انسان است. حال اگر قرار باشد از قالب صحبت کرد که شما کلمه قالب را مناسب آن نیندازم باید خود را منطقاً و علماً در قطب و جبهه انسان و انسانیت تعریف کرد نه قالبهایی که خود مخلوق انسان بوده است. برای رسیدن به اهداف و آرزوهای والای انسانی، برای دست یابی به یک زندگی عادلانه، آزاد و برابر برای انسان، برای تأمین شادی و خوشبختی برای هر تک انسان روی این کره خاکی، علم کردن نژاد، مذهب و ... که به ابزاری برای سود و ثروت در دست صاحبان قدرت و سرمایه تبدیل شده اند کار درستی نیست. اینها موانع دست یابی انسان برای رسیدن به اهداف و آرزوهای انسانی است.

این مسئله احتیاج به اثبات ندارد و قطعاً سن شما در حدی است که فجاج یوگسلاوی در اواخر قرن گذشته را حتماً دیده و شنیده اید که چطور جریانات و دولتهای سهیم در این مسئله با باد زدن عرق ملی و نژادی همسایه هایی را که سالها در این کشور همچون انسانهای متمم در کنار هم زندگی میکردند به جان هم انداخت. اوضاع عراق، افغانستان، کشتارهای قومی در آفریقا و کلا در چهار گوشه دنیا را نگاه کنید ببینید که مذهب و ناسیونالیسم و نفرت قومی چگونه انسان را در مقابل انسان و به قصد کشتار همدیگر قرار داده و بر بستر چنین وضعی حاکمان و دولتهای سرمایه داری از قبل این وضع همچنان بر کرده کارگران و توده های مردم ستمدیده به کسب سود و استثمار خود ادامه میدهند.

برای خاتمه دادن به این اوضاع دهشتناک که امروز بشریت با آن روبرو است، تنها راه تقویت و پیوستن به جبهه بشریت و دفاع از حقوق انسان در کل دنیای موجود در تقابل با این توحش و بربریت است که می تواند کینه و نفرت ملی، مذهبی، نژادی و غیره را که دولتها و جریانات قومی و مذهبی مختلف آنرا در بوق و کرنا می کنند حاشیه ای ساخت شکی ندارم که شما با من هم عقیده خواهید بود. با این توضیحات اولیه است که میتوان به پدیده زبان و اینکه آیا شما میتوانید یا نمی توانید به زبان کردی یا هر

زبان دیگری صحبت کنید پرداخت.

در مورد تکلم با زبانهای مختلف یا یک زبان و با توجه با نکاتی که بالاتر اشاره کردم، زبان تنها وسیله ای برای برقراری ارتباط آدمها است. به جز این، زبان نقش دیگری را نمی تواند داشته باشد. فرض کنیم مردم دنیا همه به زبان کردی صحبت می کنند، آیا غیر از این است که باید پیام و منظور خود را به همدیگر منتقل کنند؟ اکنون که من دارم به سؤالات شما پاسخ میدهم، از آنجا که تشریح ایسکرا به زبان فارسی مخاطبیتش را قرار داده است، باید با زبان فارسی مطالب و موضوعاتش چاپ و منعکس شود. در مورد جزوات و نوشته ها و برنامه کانال جدید پرسیده اید که چرا به زبان فارسی است. پاسخ به سؤال شما به سادگی این است که مخاطبین تلویزیون همه کسانی هستند که به زبان فارسی آشنایی دارند. و علی رغم این مردم با چندین زبان محلی در ایران تکلم می کنند، اما مشترکاً همگی زبان فارسی را می دانند و این برمیگردد به نقش زبان فارسی که تاریخاً بعنوان زبان رسمی رایج بوده است. اگر این اشتراک و رایج بودن تاریخی را مثلاً زبان کردی، عربی، بلوچی یا ترکمن و غیره میداشت و همه مردم در ایران بطور مشترک با زبان کردی یا ترکی آشنایی میداشتند، قطعاً نشریات نوشته ها و برنامه کانال جدید هم آنها هم به این خاطر که شنونده و خواننده بیشتری را که مشترکاً با آن زبان آشنایی دارند بکار میگرفت. بنابراین از زبان به جز یک وسیله ارتباطی، چیز دیگری نمی توان از آن بیرون کشید.

در نتیجه در هر مکان و محلی که هر تعداد از آدمها با یک زبان مشترک که می توانند منظور و پیام و حرف خود را به یکدیگر برسانند، با آن زبان صحبت خواهند کرد. اگر از من بپرسی، امروز آرزوی شخصی ام این است که ای کاش تمام زبانهای مختلف دنیا را بلد بودم تا از این طریق بی حقوقی های جامعه بشری و استثمار و سرکوب دنیای سرمایه داری را به همه کسانی که تحت این فلاکت قرار دارند برسانم. یا بر عکس ای کاش همه مردم یک زبان مشترک هم داشتند. این شاید عملی

از میان نامه ها و سؤالات

تر به نظر میرسد. راه حل این است که یک زبان واحد و مشترک در سطح بین المللی تشبیت شود تا این ارتباط بین انسان که محور همه چیز است برقرار شود. فعلاً زبان انگلیسی تا حدودی این نقش را دارد ایفا می کند. بیش از هر زبان دیگری برای مردم قابل فهم است. در خاتمه قضیه زبان فقط این را بگویم که اگر زبان نتواند پیوند و ارتباط بین انسان را ایجاد کند، در خود هیچ خاصیتی ندارد از این رو است که در دوران پیدایش اولیه زبان توسط انسان، علائم و نشانه هایی که پیشینیان ترسیم میکردند، به این خاطر بود که از منظور و درک همدیگر مطلع باشند و آنرا به یکدیگر انتقال دهند نه چیز دیگری.

کسی چون شما که می خواهد تابوها را بشکند، ادیان و مذاهب ارتجاعی و سیستم و نظام سرمایه داری را نقد، افشا و از بین ببرد و بخواهد جمعیت میلیونی مردم در ایران، کارگران، زنان، جوانان و مردم ستمدیده را متوجه گنبدگی این نظام ضد بشری سازد، باید با زبان فارسی این امر را متحقق کند چون مخاطبین شما با آن زبان بیشتر می توانند منظور شما را دریابند. شما نمی توانید برای نشان دادن پوسیدگی مذهب و استثمار نظام سرمایه داری که خود به نقد و رد آن رسیده اید با زبان کردی، مردم مثلاً تهران را متوجه این مسئله کنید. چرا که نخواهند فهمید که شما چه می گوید.

اینجاست که زبان فارسی به هر دلیلی خوب یا بد، درست یا غلط به زبان مشترکی برای ما در جامعه ایران تبدیل شده است. انسانها و بطور مشخص تر طبقه مزدبگیر جامعه که از طرف سرمایه داران حاکم که به زبانهای فارسی، کردی، و ترکی و غیره هم تکلم می کنند مورد ستم و استثمار هستند. آیا کم هستند کسانی که در شهر محل زندگی شما در کردستان که با زبان کردی صحبت می کنند، زاده همین

محل هستند ولی هر روز دارند شیره جان هزاران کارگر را که از شهرهای دیگر ایران که برای کار به آنجا آمده اند میمکنند؟ آیا عکس اینرا هر روز شاهد نیستیم؟

آیا شما کارگری از تهران که اکنون در کردستان زندگی می کند و با زبان فارسی تکلم می کند را نمی بینید که چگونه مورد استثمار سرمایه دار کردی که به کردی تکلم می کند قرار دارد؟ اینجاست که محور مشترک ما انسانها انسان بودمان و در اینجا بعنوان یک طبقه است که از جانب یک طبقه استثمارگر حال با هر زبانی که تکلم بکنند مورد بی حقوقی قرار میگیریم. در نتیجه قالبی که منظور شماست باید تغییر کند. همانگونه که خود را از قالب تابو و ادیان خود را رها ساخته اید باید بتوانید ماهیت و جوهر قالبهای ملی و نژادی و زبانی را هم بخوبی دریابید و بشناسید خود را محسوس آن نکنید. دیگر لازم نیست وارد هیچ قالبی بشوید بلکه یک تعریف انسانی و طبقاتی از خودت را در همسرنوشتی با کل مردمی که در جامعه ایران و تحت فشارهای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی قرار دارند می توانید تعریف کنید.

سالهاست که رژیم جمهوری اسلامی و برای بقای عمر ننگین و کثیف خودش از هیچ گونه ضدیتی با مردم فرو گذار نکرده است. ۲۸ سال است که این رژیم دارد اعدام می کند، شلاق میزند، سنگسار و شکنجه می کند، زندان و بازداشتگاه مخوف می سازد و حقوق کارگر نساجی و ایران خودرو و... را ماهها نمی پردازد. آیا خالی بودن سفره خانواده های کارگران ایران خودرو و نساجی های کردستان مثل هم نیست؟ آیا سرکوب زنان و دخالت در امور خصوصی زندگی مردم ستمدید و تهران توسط باندهای سرکوبگر این رژیم مثل هم نیست؟ کودکان خیابانی در تهران و شهرستانها، اعتیاد در جغرافیای ایران همه و همه مثل هم نیست؟

اینجاست که آسمان این کشور برای تمامی شهروندانش که زیر سرکوب، استثمار و بی حقوقی قرار دارند، یک رنگ است. اگر این را قبول داشته باشیم که میدانم برای شما و خیلی از انسانها این واقعیتی انکار ناپذیر است، در نتیجه باید در کنار خیل عظیم و میلیونی مردمی قرار گرفت که دارند از این اوضاع و شرایط دهشتناک رنج می برند. از این زاویه است که شما می توانید جایگاه انسان و پدیده های فرعی دیگر نظیر زبان و غیره را دریابید.

اما هنوز یک نکته را باید تاکید کنم نوشته اید "فارس زبانان خانه خود را دارند و شمایی کرد زبان ندارید پس اول باید شما خانه خودتان را داشته باشید". اگر درست متوجه شده باشم اشاره شما به دولت و کشور است. اولاً این مسئله که هر کس خود را متعلق به قوم و یا ملیتی بداند و کشوری درست کند فکر نکنم زندگی مردم را بهتر از این بکند. این شرایطی که الان هست و همه به این شرایط معترضیم ربطی به کشور خودمان و دولت خودمان و یا غیر آن ندارد. زیرا همان فارسی که شما به آن اشاره دارید و ظاهراً دولت و کشور دارد مردم تحت ستمش مثل من و شما زندگی فقیرانه و غیر انسانی دارند و این را به همه ما تحمیل کرده اند. آیا شما کارتون خوابهای تهران را نشدید؟ دختران فراری چی؟ آیا فقر و فلاکت در ایران بر اساس موقعیت طبقاتی تقسیم شده یا بر اساس ملیت و نژاد؟ آیا سرمایه داران کردستان مشکلی با سرمایه داران مثلاً تهران دارند؟ مگر خامنه ای آذری و ترک زبان نیست و مردم آذربایجان را نمی بینید که چگونه سرکوب میشوند. مگر شما بهادین ادب در ستمدید و ستمشناسید که از روز اول در خدمت این رژیم بوده و مشکلی با فارس زبانها و شیعه ها و آخوندها هم نداشته و به دنبال پول و ثروتش بوده است؟ پس قضیه چیست؟ چرا الان به فکر خانه "خودت" افتاده اید و نوشته اید به ناسیونالیسم کرد منتسبت نکنیم زیرا از نوع افراطی آن متنفردید. خوب معلوم است از نوع ملایم آن

خوشتان می آید. و این ناسیونالیسم ملایم همان خانه خود را برای شما مطرح کرده است. و خود را نه در مقابل نظام تولیدی حاکم بلکه در مقابل فارس تعریف کرده اید.

اجازه بدهید به حکومت نوع کردی و همان "خانه خودت" سری بزینم. مگر در کردستان عراق اکنون مردم همان "خانه خود" را ندارند؟ آیا در خانه خود مثل فارسهای تهران و... که گویا "خانه خود" را دارند، با فقر و سرکوب روبرو نیستند؟ دوست عزیز همان کشتار و زندانی کردن همه ما بوسیله رژیم اسلامی در کردستان عراق برقرار است و حکومت نوع کردی آنرا انجام میدهد. مردم مثل دوران صدام حسین همچنان با فقر و سرکوب روبرو هستند. حاکمان عرب جایشان را به حاکمان کرد داده است. مردم اما سر جای خود مثل همیشه با فقر و سرکوب دست و پنجه نرم میکنند. پس باید قبول کرد که مشکل ما نابرابری طبقاتی است.

اما یک مسئله هنوز باید جواب درست بگیرد. در کردستان ایران ستم ملی به مسئله ملی تبدیل شده است. این مسئله را باید حل کرد. باید برای آن جواب داشت و جواب

ما روشن و بدون ابهام است. ستم ملی باید فوری برطرف شود. هر نوع ستمی ملی، جنسی، مذهبی و... باید ممنوع باشد. اما برای مسئله ملی در کردستان ما یک راه حل واقعی و روشن داریم: باید فراندومی در میان مردم ساکن کردستان انجام شود. مردم به دو سوال میتوانند جواب بدهند: ۱- ماندن در چهار چوب ایران در کنار همه ساکنان دیگر و با حقوقی مساوی یا ۲- کشور مستقل و تشکیل دولتی مستقل

طبعاً توصیه ما این است که همه شهروندان با حقوقی مساوی در کنار هم زندگی کنند و کشوری سکولار و غیر قومی داشته باشیم. اما نتیجه فراندوم مردم ساکن کردستان هر چی باشد باید آنرا برسمیت شناخت.

امیدوارم توانسته باشم پاسخ به سؤالات شما را قانع کننده داده باشم. اگر هر گونه ابهام یا ناروشتی را در پاسخ به سؤالاتتان احساس می کنید، حتماً برام بنویسید تا بیشتر در مورد آن صحبت کنیم. منتظر دریافت سؤالات دیگر شما هستم موفق و پیروز باشید.

از: اتحادیه سراسری کارگران ...

از صفحه ۳

از اهمیت بسیار بالا و حیاتی بر خوردار است. ما دست شما دوستان گرامی را در کنفدراسیون اتحادیه جهانی و فدراسیون جهانی کارگران حمل و نقل به گرمی می فشاریم و بدینوسیله ضمن قدردانی صمیمانه از اقدامات قاطعانه شما، اعلام میداریم که در صورت تداوم بازداشت محمود صالحی و منصور اسالو تا روز نهم آگوست، در این روز در کنار شما و همگام با طبقه کارگر جهانی، اعتراض خود را نسبت به تداوم بازداشت محمود صالحی و منصور اسالو به نحو مقتضی ابراز خواهیم داشت.

با احترامات فراوان

اتحادیه سراسری کارگران اخراجی و بیکار ۵/۵/۱۳۸۶

www.ettehad.com

از سایت های
حزب کمونیست کارگری ایران
دیدن کنید

www.wpiran.orgwww.rowzane.com

مرگ بر جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی!